

## واکاوی مقایسه ای تاثیر فرهنگ سیاسی بر حقوق شهروندی در ایران و ترکیه

وحید مسکوکیان<sup>۱</sup>

سید اسماعیل حسینی گلی<sup>۲</sup>

نادر هوشمند یار<sup>۳</sup>

### چکیده

در جوامع بشری حقوق شهروندی همواره مورد توجه بوده و بی توجهی به آن موجب افزایش بسیاری از ناهنجاری های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شده و حقوق شهروندی را به مخاطره انداخته است. شرایط و عوامل مختلفی بر میزان تحقق حقوق شهروندی در جامعه تاثیر گذاشته که از جمله می توان به فرهنگ سیاسی اشاره کرد. سوال اصلی این مقاله آن است که وجوه عمده تشابه و تمایز حقوق شهروندی در دو کشور ایران و ترکیه کدامند؟ در فرضیه می توان چنین مطرح نمود که وجوه عمده تشابه تاثیر فرهنگ سیاسی در حقوق شهروندی دو کشور ایران و ترکیه عبارتند از اعطای حق رای به زنان، مشارکت سیاسی زنان و اختصاص جایگاه های مهم سیاسی و مدیریتی به آنها؛ رایگان بودن آموزش و پرورش، دسترسی آسان به وکیل می باشد. در حالی که وجوه عمده تمایز تاثیر فرهنگ سیاسی در حقوق شهروندی دو کشور ایران و ترکیه عبارتند از وجود تعارضات اساسی در قوانین اساسی دو کشور بویژه در خصوص واژه هایی همچون ملت، اقوام و ملیت ها، نظام های سیاسی متفاوت و ساختار حکومتی مبتنی بر ایدئولوژی غیرسکولاریستی و سکولاریستی؛ دو فرهنگ سیاسی مختلف با توجه به ارزش های دینی و سنتی، ضعف جامعه مدنی و مشارکت سیاسی احزاب؛ مشارکت اجتماعی اقوام، تساوی حقوق در میان گروه های قومی، مجازات اعدام، مشارکت زنان مذهبی در نظام های آموزشی. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی نقش و جایگاه فرهنگ سیاسی در تحقق حقوق شهروندی در دو کشور ایران و ترکیه را مورد بررسی قرار می دهد.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ سیاسی، حقوق شهروندی، ایران، ترکیه

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

Vmaskukian.s@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار علوم سیاسی گرایش سیاستگذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ehgoli@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار مدیریت دولتی گرایش تصمیم گیری و خط مشی گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

nader.Houshmandyar@Gmail.com

## مقدمه

رفتار و شخصیت انسانها به میزان زیادی متناسب با فرهنگی است که در آن تربیت یافته و به آن تعلق دارند. در واقع، رفتارهای انسان تحت قدرت و نفوذ فرهنگی که از هر طرف او را احاطه کرده، قرار می‌گیرد که در طی آن، شخصیت شکل می‌گیرد. فرهنگ نسبت به سایر مولفه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حقوق شهروندی، هم تاثیرپذیر است و هم تاثیرگذار. لذا نمی‌توان نقش اساسی آن را در عرصه‌های مختلف حقوق شهروندی نادیده گرفت. به نظر می‌رسد تمامی ابعاد حقوق شهروندی و تحقق آنها، در گرو توجه جدی به مقوله فرهنگ است و این موضوع در بحث جهانی شدن فرهنگ، مورد پذیرش جامعه جهانی نیز میباشد. فرهنگ، ابزارتفوق جویانه ازسوی طبقات مسلط است که از آن طریق، هنجارها و ارزشهای متناسب با یک ساخت طبقاتی، بازتولید می‌شود و در ذهن و رفتار مردم شکل می‌گیرد(فراسخو، ۱۳۹۵: ۲۳). فرهنگ و باور سیاسی در سطح فرمانروایان و صاحبان قدرت، راه را برای اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات و اعمال سیاسی فراهم می‌آورد. لذا بهره برداری سوء از فرهنگ بوسیله حاکمان و تاثیر آن در سطح فرمانبرداران، همواره مورد توجه قرار گرفته است.

از یک سو، انگاره فرهنگی، نقش تعیین کننده‌ای در شکل دادن دیدگاههای کنشگران ایرانی داشته و همین امر زمینه سازتحولات و انقلابات در ایران معاصر داشته و دارد(فاضلی، ۱۹۹۳: ۴). از سوی دیگر، فرهنگ سیاسی مدنی در فرهنگ ایرانی حضور چندانی نداشت، به طوری که در عهد قاجار، پدیده اقتدار گرایی در ناخودآگاه فرهنگ عمومی جاری و فرهنگ آن قرن‌ها، در باطن فرهنگی و رفتار ملت نهادینه شده بود و رمز تداوم اقتدارگرایی در ایران ناشی از بنیان ضعیف ایرانیان در کار گروهی، تشکل و چانه زنی بود(سریع القلم، ۱۹۹۳: ۱). به عبارت دیگر، از یک سو، بسترهای جامعه ایران در دوران قاجار، زمینه‌های اثرگذاری نیروهای اجتماعی بر حاکمیت را ناخودآگاه فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، شکل گیری و تداوم نظام اقتدار گرایی با تضعیف رفتار اجتماعی و فرهنگی همراه بود. با آغاز حکومت پهلوی، موانع بزرگی بر سر راه تحقق حقوق شهروندی در ایران فراهم شد و بی‌اعتمادی به عنوان ستون فقرات فرهنگ سیاسی ناکارآمد، محصول ساختارهای موجود پهلوی و قبل آن بود(سریع القلم، ۱۹۹۵: ۵۴). از ما حاصل مطالعات و پژوهشهای به عمل آمده، می‌توان نتیجه گرفت که از زمانهای خیلی گذشته حتی قبل از دوران قاجار که فرهنگ ماردوشی و زور بر ایران حاکم بود، شهروندی و شهروندی نزد حاکمان و زمامداران اعتبار و جایگاهی نداشت و همین فرهنگ، بعدها در بین ایرانیان نهادینه شد(سریع القلم، ۱۹۹۳: ۲۴) و در نتیجه، حقی تحت عنوان حقوق شهروندی که متغیر اصلی پژوهش ماست، بی‌معنی بود ولی به مرور زمان و با رشد آگاهیهای سیاسی شهروندان، سر نخهای خیلی اندک از حقوق شهروندی پیدا شد که با معنای امروزی فاصله زیادی دارد. با این مقدمه، هدف پژوهش این است که با مطالعه و بررسی فرهنگ سیاسی حاکمان و شهروندان در جوامع ایران و ترکیه، زمینه‌های تاثیر آن در تحقق حقوق شهروندی مشخص گردد تا با شناخت دقیق و موشکافانه فرهنگ سیاسی در سطوح حکومت کنندگان و حکومت شونده‌گان، تحقق و اجرای حقوق شهروندی با چالشها مواجه نشود و فرهنگ سیاسی دموکراتیک که عاملی موثر در تحقق آن می‌باشد، نهادینه شود.

نخست به تعریف دو مفهوم مهم در این مقاله می‌پردازیم. اول، حقوق شهروندی به مجموعه‌ای از حقوق و تکالیفی اطلاق می‌شود که برای افرادی که عضو یک جامعه سیاسی هستند تعریف می‌شود(آرایی، باصری و مسوله، ۱۴۰۲: ۱۲). این حقوق شامل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است که به شهروندان امکان می‌دهد که در امور عمومی شرکت کنند، از حمایت قانونی برخوردار شوند و از خدمات اجتماعی بهره‌مند شوند(مسکوکیان، حسین‌گلی، و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۸). حقوق شهروندی نه تنها برای رفاه و آزادی شهروندان، بلکه برای توسعه و پایداری جامعه اهمیت دارد(قربانی، محمودآبادی و فلاح زاده، ۱۴۰۱: ۱۳). لذا تحقق حقوق شهروندی به عوامل مختلفی بستگی دارد که از جمله آنها می‌توان به فرهنگ سیاسی اشاره کرد(ذبیح پور، ۱۳۹۰: ۱۱). دوم، فرهنگ سیاسی به مجموعه‌ای از باورها، ارزشها، نگرشها و الگوهای رفتاری اطلاق می‌شود که در یک جامعه درباره نظام سیاسی و نقش فرد در آن وجود دارد(کریمی و ساعی، ۱۳۹۰: ۱۳). فرهنگ سیاسی تأثیر بسزایی بر شکل‌گیری و عملکرد نظام سیاسی، نوع حکومت، میزان مشارکت سیاسی و میزان رضایت از حکومت دارد(فتاحی و امینی، ۱۴۰۱: ۱۸). فرهنگ سیاسی

همچنین بر شکل‌گیری و تحقق حقوق شهروندی تأثیرگذار است. فرهنگ سیاسی می‌تواند حقوق شهروندی را تقویت یا تضعیف نماید، به شهروندان انگیزه یا بی‌تفاوتی بدهد؛ به حکومت مسئولیت یا امتیاز ببخشد (آرابی، باصری و مسوله، ۱۴۰۲: ۱۲). ایران و ترکیه دو کشور همسایه و هم‌جوار هستند که در طول تاریخ روابط متغیر و پیچیده‌ای داشته‌اند. این دو کشور از نظر جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌های زیادی هستند. این شباهت‌ها و تفاوت‌ها بر فرهنگ سیاسی و حقوق شهروندی در این دو کشور تأثیر گذار بوده‌اند. ایران و ترکیه در دوره‌های مختلف تجربه‌های متفاوتی از نظام سیاسی، حکومت، انقلاب، دموکراسی، سکولاریسم، اسلام‌یسم، قومیت‌گرایی، ملی‌گرایی، اتحادیه اروپا، اتحادیه آسیای مرکزی و ... داشته‌اند که بر فرهنگ سیاسی و حقوق شهروندی در این دو کشور اثرگذار بوده‌است (مسکوکیان، حسینی‌گلی، و همکاران، همان).

### پیشینه پژوهش

مطالعه تطبیقی حقوق شهروندی در ایران و ترکیه مورد توجه برخی محققان قرار گرفته است (مسکوکیان و همکاران، ۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران و کشور ترکیه نشان داد در جمهوری اسلامی ایران مفهوم شهروندی به معنی غرب و تعریفی که از این حقوق متصور است به جهت توصیه‌های دین در قوانین و هدایت شهروندان، امکان‌پذیر نیست در حالی که در ترکیه یک نوع فرهنگ تمایل به توسعه و مدرن بودن با دین آمیخته و سازگاری پیدا کرده و نوعی حقوق شهروندی فارغ از توصیه‌های دینی نسبت به جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود. همچنین فرهنگ سیاسی ایران و تحقق حقوق شهروندی که توسط قربانی درزی محله و همکاران (۱۴۰۱) مطالعه شده که در این پژوهش، نتیجه گرفته شده که نوع نگرش ایرانیان چه در سطح حاکمان و چه در سطح شهروندان به قدرت و متفرعات آن، از عوامل اصلی عدم تحقق حقوق شهروندی در ایران می‌باشد.

دسته دیگری از مطالعات به صورت کلی به مساله فرهنگ سیاسی و حقوق شهروندی پرداخته‌اند. رمزی (۱۳۹۴) بیان کرده به نظر می‌رسد شکل‌گیری و نهادینه شدن توسعه سیاسی در وهله اول مستلزم توجه جدی به حقوق شهروندی می‌باشد. حق تعیین سرنوشت عنصر بنیادین شهروندی است که از طریق مشارکت در امور جمعی تحقق پیدا می‌کند. بر این اساس لازم است مکانیسم‌های مشارکت مطلوب شهروندی برای نیل به توسعه سیاسی ارائه گردد. ضمن اینکه شکل‌گیری فرهنگ سیاسی موافق با دموکراسی و حقوق بشر از رهگذر دموکراسی محلی امکان‌پذیر است که در تحقیق حاضر روند حرکت به سمت برخورداری از حقوق شهروندی و رابطه آن با حرکت کشورها به سمت توسعه سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. خسروی (۱۴۰۲) نیز اشاره کرده دین اسلام متضمن احکام و تعالیم بسیاری در مورد رعایت حقوق و آزادی‌های انسان می‌باشد و در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بحث آزادی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و حکمرانی مطلوب و مشارکت مردم در اداره امور جامعه؛ مستلزم رعایت حقوق شهروندی و آزادی‌های سیاسی می‌باشد.

### چارچوب تئوریک: نظریه اینگلهارت

فرهنگ سیاسی و حقوق شهروندی دو مفهوم پیچیده و چندبعدی هستند که در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گرفته‌اند. این دو مفهوم در رابطه با یکدیگر نیز دارای تعاملات و تأثیرات متقابلی هستند که موضوع بسیاری از پژوهش‌های جامعه‌شناسی، سیاسی و حقوقی را تشکیل داده‌اند. فرهنگ سیاسی به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری اطلاق می‌شود که در یک جامعه درباره نظام سیاسی و نقش فرد در آن وجود دارد (ذبیح پور، ۱۳۹۰: ۱۱). همچنین فرهنگ سیاسی یک مفهوم نسبتاً جدید در علوم سیاسی است که از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد مورد توجه قرار گرفته است (هاشمی، همتی و اسماعیل زاده، ۱۳۸۹: ۱۲).

رونالد اینگلهارت دانشمند علوم سیاسی و علوم اجتماعی است که در سه حوزه حکومت و سیاست تطبیقی، توسعه سیاسی و روان‌شناسی سیاسی صاحب نظر است. نظریه فرهنگ سیاسی ملی اثر رونالد اینگلهارت بر اساس یک پژوهش جهانی در بیش از ۶۰ کشور در چند دوره زمانی از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۴ ارائه شده است. در این نظریه چنین بیان شده که فرهنگ سیاسی هر

کشور تحت تأثیر دو عامل اصلی است: سطح توسعه اقتصادی و نوع مذهب (گنجی، نیازی و حیدریان، ۱۳۹۷: ۲۹). این دو عامل میزان ارزش‌گذاری شهروندان بر ارزش‌های سنتی یا پیشرفته را تعیین می‌کنند. (اینگلهارت، ۱۳۸۵: ۲۳۲)

اینگلهارت در یک پیمایش جهانی کشورها را از جهت بعد اول ارزش‌ها (سنتی یا سکولار عقلانی) و همچنین از جهت بعد دوم ارزش‌ها (بقا و خود ابرازگری) مورد بررسی قرار داده است و کشورهایی را توسعه یافته‌تر می‌داند که به سمت ارزش‌های سکولار عقلانی در بعد اول و همچنین به سمت ارزش‌های خود ابرازگری در بعد دوم حرکت کرده باشند. وی معتقد است که بعد از اینکه کشورها به مرحله صنعتی پیشرفته رسیدند و توسعه اولیه را پیدا کردند کشمکش‌ها بر سر مسائل فرامادی مانند محیط زیست، حمایت از شأن زنان، اقلیت‌های جنسی، آزادی بیان و ... تبدیل خواهد شد. اینگلهارت فراروایت مدرن در مورد اینکه نسخه کشورهای توسعه یافته می‌تواند برای کشورهای کمتر توسعه یافته استفاده شود را زیر سوال می‌برد و همچنین وی برای توسعه نگاهی پایین به بالا دارد و توسعه را از پایه تحولات مردم ناشی می‌داند و توسعه را فرایند مشارکت مردم در نظام تصمیم‌گیری می‌داند که بر اساس دانش بومی و محلی است. (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۱۲-۲۴)

یکی از بخش‌های اصلی نظریه انگلهارت جهانی شدن و ارزش‌های پست مدرن است که در نظر او توسعه اقتصادی منجر به افزایش امید به زندگی و رفاه ذهنی می‌شود و رابطه‌ای منحنی وار دارند. یعنی ارتقای وضعیت اقتصادی بر رفاه ذهنی و امید به زندگی تأثیر شدیدی در ابتدای امر دارد اما در ادامه به یک حد آستانه می‌رسد که بعد از یک سطحی دیگر نمی‌تواند تأثیر چندانی بر امید به زندگی داشته باشد. (اینگلهارت، ۱۳۷۷: ۲۲-۳۳)

بر اساس نظریه اینگلهارت متضمن تبیین جامعه‌شناختی و غیر خطی از تحولات جامعه بشری روی هرم مازلو می‌دهد. در هرم مازلو یک سطح بندی پلکانی روبرو هستیم که در نظریه انگلهارت این مراحل به صورت غیر پلکانی و غیر خطی تبدیل شده است. همچنین توافق وجود دارد که این هرم مازلو هم در مورد فرد صادق است و هم در مورد جامعه. توسعه به زبان ساده یعنی ساختار به گونه‌ای باشد که امکان انتقال تدریجی بخش‌های بیشتری از جمعیت را در پلکان هرم مازلو ایجاد کند و به سمت خود شکوفایی حرکت دهد. (اینگلهارت، ۱۳۸۱: ۳۴)

بر اساس نمودار اینگلهارت ایران در دوران پهلوی از نیازهای پایه به سمت نیازهای خود شکوفایی حرکت کرد. هرچند زیاد از سنت به مدرنیته حرکت نکرد، اما در دوران جمهوری اسلامی از ارزش‌های سنتی به سمت مدرنیته حرکت کرده و در واقع از دین به معنویت گذار کرده است. لذا در پیمایش اینگلهارت اگر الان ایران مد نظر قرار بگیرد، نقطه مربوط به ایران وضعیت بهتری را به طور ویژه در گذار از سنت به مدرنیته دارد. (اینگلهارت، ۱۳۸۰: ۴۷-۵۷)

در جامعه امروز مسلمانان ترکیه و ایران با چهار سطح دینداری رو برو هستیم. دینداری سنتی: ۱- دینداری (مناسک) همراه با معنویت و ایمان ۲- ایمان و معنویت بدون دین ۳- دین بدون ایمان که تنها مناسک را رعایت می‌کنند و معنویت وجود ندارد. ۴- بخش کمی از جامعه نیز هم ایمان و معنویت و هم دین را کنار گذاشته‌اند. به اعتقاد وی، رضایت تنها زمانی رخ می‌دهد که نظام ارزشی تحقق یافته باشد. طیف گسترده‌ای از آزادی‌ها در جامعه وجود دارد که ممکن است در مدل توسعه غربی با قواعد بسیار دقیق آنها وجود نداشته باشد، اما ما آنها را نمی‌بینیم چون نگاه مردم ما به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی غربی است و این آزادی‌ها را نمی‌بینند. لذا از همین آزادی‌هایی که داریم هم نمی‌توانیم رضایت لازم را بدست آوریم. (اینگلهارت، ۱۳۸۷: ۹)

در نهایت بر اساس نظریه اینگلهارت، می‌توان استنباط نمود که فرهنگ سیاسی در ایران و ترکیه بیشتر شبیه به فرهنگ سیاسی ارزش‌های سنتی است. این بدان معناست که شهروندان در این دو کشور بیشتر ارزش‌گذاری می‌کنند بر ارزش‌هایی مانند اطاعت، امنیت، مذهب، خانواده و ملت. لذا این نوع فرهنگ سیاسی باعث می‌شود که حقوق شهروندی در این دو کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته و شهروندان کمتر به ارزش‌هایی مانند آزادی، خلاقیت، تنوع، حقوق بشر و محیط زیست اهمیت بدهند. (طالبان و رفیعی، ۱۳۸۹: ۲۱۷-۲۲۷)

با توجه به این یافته‌ها، می‌توان گفت که فرهنگ سیاسی در ایران و ترکیه دارای تأثیر منفی بر حقوق شهروندی است. این دو جامعه دارای فرهنگ سیاسی‌هایی هستند که بیشتر به سمت شخصیت‌گرایی، موضوع‌گرایی، سنت‌گرایی و فرهنگی غیرانتقادی

گرایش دارند. این نوع فرهنگ های سیاسی باعث می‌شوند که شهروندان کمتر از حقوق شهروندی خود آگاه باشند، کمتر برای آنها بجنگند، کمتر به آنها احترام بگذارند و کمتر از آنها بهره ببرند. این وضعیت موجب می‌شود که حقوق شهروندی در این دو کشور کمتر شناخته شده، اجرا شده و تضمین شده باشند.

با توجه به این بحث، می‌توان گفت که برای بهبود و توسعه حقوق شهروندی در ایران و ترکیه، لازم است که فرهنگ سیاسی در این دو جامعه نیز تغییر و تحول پیدا کند. برای این منظور، می‌توان به وجوه عمده تمایز و تشابه حقوق شهروندی در دو کشور ایران و ترکیه پرداخت.

### بررسی حقوق شهروندی در ایران و ترکیه

گرچه سعی و تلاش جهت احقاق حقوق شهروندی و شناسایی حق و تکلیف صورت گرفته و همچنین سعی بر رعایت این حقوق از سوی مسئولان و قوانین مورد مذاقه و امعان نظر قرار گرفته ولی نقایصی ناشی از ضعفهای نگارشی و تفاسیر سلیقه ای از این حقوق از معضلاتی است که بدنبال شناسایی آن موارد و سپس سعی در رفع آن معضل بوده ایم. گرچه موقعیت ایدئولوژیکی و اهتمام به هماهنگ بودن این حقوق با آموزه های اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، این حقوق را تحت تاثیر قرار داده است، اما تاکید اصلی این بخش بر روی نقش نظارتی و اجرائی نهادها و قوانینی بوده که در جمهوری اسلامی ایران موظف به رعایت و حسن اجرا و نظارت بر این حقوق بوده است. دستگاه قضایی را نهاد ناظر و خطیری توصیف نمودیم که می بایست از این حقوق پاسداری و حراست کند. در این راستا به حقوق زنان نیز باید اشاره داشت که علی رغم نقایص و محرومیت زنان از این حقوق، باید اشاره شود با پیروزی انقلاب و سپری شدن برنامه های توسعه ای مرحله به مرحله این حقوق از دست رفته بهبود یافت. در بررسی حقوق مطبوعات در اصل ۲۴ قانون اساسی و ماده ۶ قانون مطبوعات که در سال ۱۳۷۹ مورد لحاظ قرار گرفته، نا هماهنگی و سیاسی کاری در این خصوص باعث محدودیت و تنگ شدن عرصه بر آزادی مطبوعات گردیده است.

اما در خصوص کشور ترکیه و بررسی جامعه شناختی حقوق شهروندی در این کشور ما در ابتدا ضمن اشاره به سیر تاریخی و شکل گیری کشور ترکیه باید اذعان نماییم که جایی که میراث کمال آتاتورک ساختار حاکمیت این کشور و برتری نهادهای دولتی بر عرصه مدنی را در یک سرزمین چند قومی به حقوق ملت ترک تنزل داد. عدم اهتمام به کثرت گرایی قومی و فرهنگی و مذهبی در این کشور و سرکوب اقوام کرد چیزی جز پایمال کردن حقوق شهروندی در این کشور نبوده است. (عرب احمدی و خزائی، ۱۳۹۷: ۱۴-۱۷) اگر چه در نظام سکولار ترکیه دین و مذهب به عرصه خصوص مربوط می شود و سیاست به دور از مذهب می باشد. در واقع باید گفت در ترکیه ارتشیان از ستونهای اصلی قدرت و پاسدار میراث کمال آتاتورک بوده اند که همواره فراتر از سیاسیون قدرت را به دست داشته اند و با کوتاهای متعددی که در عرصه سیاسی انجام داده اند، عرصه سیاسی را به ضرر سیاسیون و محدود نمودن جامعه مدنی همواره سوق داد اند. نا گفته سیاستهای تورگوت اوزال و اصلاحاتی که توسط وی صورت گرفت ضمن باز شدن عرصه سیاسی ما شاهد روند مشارکت طلبانه و دخالت جامعه مدنی و عرصه خصوصی در رقابتهای سیاسی حزبی، تا حدودی حقوق شهروندی خود را نمایان ساخت.

در این چارچوب نقش مخرب نظامیان در نهادهای امنیتی و دادگاه های نظامی چنان آشکار و لجام گسیخته نمایان بود که نهایتا با تلاشهای اوزال روند دموکراسی خواهی و احقاق حقوق شهروندی ضمن محو و محدود نمودن این دخالتها و نهایتا با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان تا کنون آثار این روند اصلاحات و گسترش عرصه عمومی ادامه دارد. نکته ای که قابل تامل است این است که حزب عدالت و توسعه گر چه با شعارهای عدالت محورانه و اهتمام به کثرت گرایی و محدود نمودن دخالت های ارتشیان به حکومت جای خود را در عرصه سیاسی این کشور هموار نمود ولی متاسفانه مرحله به مرحله شعارهای دموکراسی خواهی به سمت اقتدار گرایی سوق پیدا کرد، جایی که وی از اصلاح قانون اساسی و دستبرد در متن قانون اساسی به صراحت صحبت نمود و ضمن انحلال روند پارلمانی و نظارت های جامعه مدنی، عملا حقوق قانونی و حقوق شهروندی را تضعیف نمود (Cook, 2019). بررسی علت عدم پیشرفت دموکراسی و عدم پذیرش مخالفان و سرکوب و زندانی نمودن روزنامه نگاران و اعلام جرم به جهت توهین و انتقاد از رییس جمهور اردوغان ضمن شکست روند دموکراسی خواهی نشان دهنده این واقعیت است که سیاست در ترکیه بر پایه نوعی اقتدار هیبریدی و ترکیبی از اقتدار گرایی و دموکراسی خواهی است که به سمت و سوی مشخصی ختم نگردیده و نه تنها حقوق شهروندان را (مخصوصا اقلیتهای قومی و مذهبی) تضمین نمی کند، بلکه گاهها

به سرکوب و گاه به بازگشت به آنها در دوره های مورد نیاز (انتخابات، مشارکت های سیاسی)، باعث سردرگمی جناح ها و اقوام مختلف شده و همچون حقوق از دست رفته زنان در این کشور عرصه سیاسی را به خشونت سوق می دهد.

همچنین نباید تمایل ترکیه به پذیرش در اتحادیه اروپا را در راستای ثبات و احقاق حقوق شهروندی فراموش کنیم، زیرا پذیرش در این اتحادیه نقش بسیار خطیری برای جهت گیری حقوق شهروندان در این کشور داشته است. مشخصا درک این واقعیت که چگونه این اتحادیه می تواند ضمن نهادسازی، ترکیه را به تمکین حقوق شهروندی و رعایت حقوق بشر مجبور سازد. این در حالیست که باید اشاره شود علی رغم تمکین حاکمیت در ترکیه به خواسته های رهبران اتحادیه اروپا و اصلاحات حقوق بشری و شهروندی، انتقادهای اتحادیه کما فی السابق ادامه داشته و صدور احکام دادگاه های حقوق بشری اتحادیه اروپا برای احقاق حق ها و تعیین تکلیف های شهروندی در ترکیه، همانند ماهیت هیبریدی و ساختار الیگارشیکی این کشور پذیرش در اتحادیه اروپا را در سرگردانی قرار داده است.

در ایران درک این واقعیت بجاست که اگرچه فصل سوم قانون اساسی در ۲۳ ماده حقوق ملت را تشریح کرده، اما حقوق ملت همواره مورد مناقشه بوده و چنان که باید، در مرکز توجه قرار نگرفته است. بدین معنا که به اندازه موارد و فصول دیگر قانون اساسی، که در رابطه با اختیارات و اقتدار دولت و حکومت مورد توجه قرار گرفته است، بخش های مربوط به حقوق ملت نادیده گرفته شده است.

از سوی دیگر فصل سوم قانون اساسی به حقوق ملت اشاره کرده است و نه حقوق شهروند. در واقع در قانون اساسی ما اساسا از مفهومی به نام حقوق شهروند سخنی به میان نیامده است.

این در حالی است که وقتی مفهوم شهروند به کار برده می شود به این معناست که اگرچه همه شهروندان، ملت ایران را تشکیل می دهند اما تک تک آنها حقوقی دارند که باید مورد توجه واقع شود. همچنین اصولی که در قانون اساسی ذیل حقوق ملت آورده شده است، به ویژه بخشی که به بحث آزادی ها مربوط می شود (آزادی مطبوعات، رسانه ها، بیان، عقاید، نشر و ...) دارای قیدهایی هستند که برخی با تفسیر نادرست از آنها می خواهند حقوق مزبور را نقض کنند؛ در بسیاری از موارد به صراحت تاکید شده که آزادی ها بایستی در چارچوب قانون، ضوابط اسلامی و ... قرار گیرد. در سال های اخیر تفاسیر گوناگون از این عبارات کلی سبب شده تا در پاره ای موارد، زمینه تضییع حقوق شهروندان فراهم شود.

مثلا قیودی چون به حکم قانون، موازین شرع، به راحتی قابل تفسیر و در نتیجه عدول هستند، اما اگر به طور مشخص موارد و مصداق های آن تصریح شود، راه های نقض حقوق نیز سد می شود. علاوه بر این، قانون اساسی ما در خصوص بسیاری از قوانین مربوط به حقوق اساسی، به صورت کلی مسایلی را مطرح کرده است از جمله اینکه همه شهروندان حق دارند از مسکن، شغل، بهداشت و ... برخوردار باشند. به رغم اینکه چنین مواردی در قانون اساسی ما ذکر شده، اما در عمل بسیاری از شهروندان از مسکن و شغل و امکانات بهداشتی برخوردار نیستند که بی تردید تعریف دقیق واژه ها می تواند این عبارات کلی را از ابهام خارج کند.

### تساهل سیاسی و شهروندی

در جامعه توسعه یافته، فعال بودن مردم و نهادهای مدنی در نگاه دولت ها به عنوان یک فرصت تلقی می شود. البته باید گفت که دلیل توسعه یافتگی چنین جوامعی نیز در آگاه و فعال بودن مردم خلاصه می شود. متأسفانه دلیل عقب ماندگی و توسعه نیافتگی جوامعی مانند ما این است که رابطه ای متصلب میان دولت و ملت وجود داشته و اساسا هرگونه پرسشگری، هر نوع ایده نو و خلاقانه به عنوان یک تهدید تلقی شده است. تنوع، عنصری تهدید کننده نیست، بلکه می تواند با اتخاذ سیاست های درست به یک امتیاز مبدل شود. تنوع موجب خلاقیت و رشد جامعه می شود.

اما در کشور ترکیه نیز در چنین جامعه ای بسط یک ایدئولوژی نه تنها بی فایده است، بلکه تعدی به کرامت انسانی محسوب می شود. در شیوه حکومت مشارکتی که به هیچ مجموعه ای از اکثریت یا اقلیت اجازه سیطره بر دیگران را ندهد، بهترین شیوه حکومت بر یک جامعه با گرایش های مختلف مانند جامعه ترکیه است. شیوه ای که رهبران اقتدارگرا در طول تاریخ در ترکیه برای استمرار حکومت خود به آن دست زدند، استفاده از تنوع و چندگانگی این جوامع و تلاش برای اختلاف افکنی و تحریک آنها علیه یکدیگر بوده است. لذا برای رهایی شهروندان باید حول محور حقوق و آزادی های جهانی گرد هم آمده و علیرغم اختلافات دینی یا دیدگاه های فلسفی، با استفاده از ابزارها و روش های دموکراتیک رو در روی نقض کنندگان این حقوق بایستند.

بر این اساس، لازم است تا دولت و نهادهای حکومتی شرایط لازم برای فعالیت و تقویت سازمانهای غیردولتی را فراهم آورند تا بتوانند به این طریق توانمندی نظام سیاسی را در پاسخگویی نسبت به تقاضاهای اجتماعی افزایش دهند که این امر در نهایت می تواند به افزایش مشروعیت نظام سیاسی و رضایتمندی مردم از آن بینجامد.

### وجوه تشابه و تمایز تاثیر فرهنگ سیاسی بر حقوق شهروندی در ایران و ترکیه

ایران و ترکیه ضمن داشتن برخی تفاوت ها، شبیه ترین کشورها به هم هستند و به همین دلیل این دو همسایه دیرین، هم کیش و در عین حال رقیب، بیش از هر کشوری می توانند از تجربیات یکدیگر درس بگیرند و از این طریق به روند پیشرفت و توسعه خود سرعت بخشند. به هر صورت می توان وجوه تشابه و تمایز تاثیر فرهنگ سیاسی بر حقوق شهروندی در ایران و ترکیه را در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- در ایران پیش از مشروطیت از واژه‌هایی مانند رعیت و رعایا به جای شهروند و شهروندان استفاده می‌شد. رعیت به عنوان تبعه بوده و کمتر از حق و حقوق افراد و جامعه سخنی در میان می‌آمد. در تاریخ معاصر ایران هم چندان نمی‌توان اعتباری برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی پهلوی نیز با وجود ادعای پیشرفته بودن، توجه درستی به آراء و حقوق مردم قائل نبود. از اهداف انقلاب نیز رفع این نواقص بود که به علت عدم ضمانت های اجرایی، این مفاهیم همچون ادبیات گذشته به صورت اندرزه‌های اخلاقی و حکمت و ادبیات مهار قدرت همچنان باقی مانده است. این در حالی است که در قانون اساسی ترکیه نیز از ملت ترک در مقابل ملت ترکیه نام برده شده است. (لذا حالت تبعیض آمیز نسبت به قومیت های دیگر در آن وجود دارد). در واقع ملت سازی رهیافتی جامع برای تخفیف یا مدیریت تضادهای اجتماعی شکافهای (قومی، مذهبی، نژادی و غیره) است که به طور کلی بر محورهایی مانند بازسازی قانونی، ایجاد اقتدار (قدرت مشروع)، ایجاد امنیت و ثبات و انتقال مسالمت آمیز قدرت تمرکز دارد. در الگوی مردم سالار، ضمن پذیرش و حفظ تفاوت های قومی، زبانی و نژادی، تلاش می شود تا از طریق ایجاد ضوابط مورد پذیرش تمامی اقوام و ملیت ها و مجموعه یکسانی از ارزشها، شکاف ها و تفاوت ها مدیریت شده و وفاداری گروه ها به نظام سیاسی مشترک حفظ شود. (سریع القلم، ۱۹۹۵: ۵۹).

۲- محور و ثقل نظام سیاسی ایران بر اساس ارزش های دینی است. اسلام، اهل کتاب از جمله مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان و آشوریان را به رسمیت شناخته است و مسلمانان ایرانی همیشه در تاریخ رابطه بهتری نسبت به اقلیت های مذهبی موجود حتی در مقایسه با اروپاییان را داشته اند. اما تبلیغ و اشاعه اعتقادی اقلیت های دینی - مذهبی از دیدگاه فقه اسلام شامل هیچ گونه تسامحی نیست، اگر چه تداخل نهادهای اداری وسیع، احقاق حقوق شهروندی در ایران را کم رنگ ساخته، ولی اراده به سمت احقاق حقوق اقوام و مذاهب روجه بهبودی بوده است. در ترکیه حقوق شهروندی در تضاد بین ملی گرایی افراطی ترکی و حقوق ملت، هنوز سمت و سوی امنیتی خود را حفظ نموده ولی این حقوق به پیروی از نهادهای نظارتی اتحادیه اروپا به سمت پیشرفت حرکت نموده است. (شم آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸)

۳- در بحث مشارکت سیاسی واقعی چون در ایران به دلیل ضعف جامعه مدنی مهم ترین مجرای جامعه پذیری و فرهنگ پذیری سیاسی، قدرت سیاسی است؛ بنابراین میل به مشارکت سیاسی بیشتر متأثر از رویکردهای مثبت نظام سیاسی و گشایش در فضای رسمی سیاست ورزی بوده و به همین سبب گسسته و ناپایدار بوده است. عده ای تندروی و افراط و تفریط های مطبوعات که بیشتر ناشی از فقدان تجربه روزنامه نگاری آزاد و مستقل، عدم بردباری و تحمل کافی، تهدیدهای داخلی و خارجی، جنگ و درگیری های گروهی و جناحی، فضای مساعد این رویداد را از روزنامه نگاری ایران دریغ کرده است.

در گذر زمان ترکیه با محدود کردن دولت در اعمال فشار و تعیین حدود قانونی برای آزادی ها و حقوق افراد و گروه ها، شرایط و قیود آزادانه تر برای آزادی مجامع و گروه ها، محدود کردن مجازاتها برای توهین به نهادهای دولتی و حذف و لغو مجازات اعدام تا حدودی پیشرفت های محسوسی در شاخص حقوق سیاسی داشته و ترکیه را در شمار مردم سالاری های انتخاباتی قرار داده است. (Agah Hazır, 2015: 5-14)

در ایران هنجارسازی از جمله قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی و منشور حقوق شهروندی در ۲۹ آذر ۱۳۹۵ تدوین شده ولی در خصوص عنصر دوم سازو کار اعمال نظارت کارآمد و موثر، ساز و کار مشخص و اثربخشی در کشور در عمل مشاهده نمی شود. در ترکیه دفتر خاصی مسئول بررسی و تحقیق در زمینه اعمال اداری، رفتار دولت، نظارت بر رعایت حقوق بشر مطابق با قانون، انصاف و تناسب می باشد. یک عملکرد مستقل و کارآمد برای رسیدگی به شکایات از خدمات عمومی

و تحقیق در اقدامات و رفتار دولت و ارائه توصیه‌هایی در جهت بهبود عملکرد و حفظ حقوق بشر در ترکیه تشکیل شده است. نکته مهم در مورد تاسیس آنبودزمان ترکیه، حمایت و پشتیبانی کشورهای مطرح در زمینه آنبودزمان از کشور ترکیه است که باعث شده آنبودزمانی استاندارد و با مطالعه دقیق تاسیس شود. همچنین ترکیه در قوانین خود با تعاریف وسیع و مفصل از سوء جریان و سوء عملکرد های قضایی و حقوقی و یا تعیین مبنای وسیع برای نظارت دست آنبودزمان را برای مقابله با فساد باز گذاشته است.

۴- ایران و ترکیه نمونه‌هایی از رژیم‌هایی هستند که عناصر دموکراتیک مانند مشارکت و رقابت در انتخابات اصلی را با عملکردها و نهادهای اقتداری ترکیب می‌کنند، در عین حال که در اندازه‌های مختلفی این اقتدار وجود دارد. ایران و ترکیه با این حال، از یکدیگر در چندین زمینه متفاوت هستند؛ از جمله، ساختار دولت، ایدئولوژی اولیه حکومت، سطح توسعه نهادی، و میزان یکپارچگی با جامعه بین‌المللی که بیشترین ارتباط را با حقوق شهروندی دارند. ایران از سال ۱۹۷۹، یک حکومت دینی دارد که قدرت را از طریق ساختارهای خرد سالاری قوی در حاکمیت دینی نگه می‌دارد. در مقابل، ترکیه از زمان تأسیس در سال ۱۹۲۳ یک دولت سکولار داشته است، با یک مردم سالاری تاریخی ناقص به دلیل کودتاهای نظامی مکرر و دوره‌های حکومت استبدادآمیز بسیاری که داشته است. برخی از مفسرین سیاسی تغییر اخیر ترکیه در سال ۲۰۱۸ از یک نظام پارلمانی به ریاست‌جمهوری تحت حکومت رجب طیب اردوغان را گامی به سوی استبداد می‌دانند. (Agah Hazır, 2015: 5-14)

۵- در ایران حقوق شهروندی اقلیت‌ها، بدون توجه به اینکه آیا در قانون موضوعی جداگانه ای ذکر شده باشند یا نه، به موجب ماده ۳ قانون اساسی ایران توسط دولت تضمین شده است. یکی از معیارهای حقوق شهروندی و نه حقوق بشر به میزان وفاداری به منافع عموم مربوط می‌شود. وظیفه نظام مردم سالار و دولت این است که چنین منافع عمومی را تضمین کند. هر چه حقوق شهروندی فرد بیشتر باشد، مزایای بیشتری برای او وجود خواهد داشت. بدون شک از منظر وظایف شهروندی، وظایف یک فرد مسلمان بسیار بیشتر از یک غیرمسلمان است و یک شهروند غیرمسلمان که با دولت اسلامی در کنار سایر مسلمانان قرارداد اجتماعی دارد، به عنوان شهروند دولت اسلامی در نظر گرفته می‌شود. این به عنوان یک برتری منحصر به فرد در هر دو نظام حقوقی قدیمی و جدید ایران تلقی می‌شود زیرا علاوه بر تکالیف فعلی شهروندی، مسلمانان موظف به انجام وظایف دینی مانند پرداخت یک پنجم درآمد خود، جلوگیری از خرید و فروش کالاها و اموال غیرمجاز، و وظایف شهروندی مانند امور نظامی و دفاع می‌باشند، در حالی که شهروندان غیرمسلمان به تعهدات دینی و حقوقی مشمول نیستند ولی از تمام حقوق بشر خود که شامل شغل مناسب، امنیت اجتماعی، بازنشستگی، سلامتی، تحصیل و مسکن و... استفاده می‌کنند. این سطح تعهدات مسلمانان برای شهروندان غیرمسلمان که کتاب‌های مقدس دارند، کمتر است. پس آنان تعهدات مالی و دینی مسلمانان را ندارند و با وجود عدم تعهد اقتصادی و حقوقی، افرادی که کتاب‌های مقدس دارند اما به طور مداوم حقوق اساسی این اقلیت‌ها مطابق با قانون اساسی فراهم می‌شود.

۶- پس از انقلاب اسلامی در ایران تمام محتوای قانون اساسی ایران در رابطه با حقوق شهروندی بر سه محور الف: حقوقی که بدون قید و شرط حق همه افراد جامعه شناخته می‌شود. ب: قوانینی که در متن اصلی قانون مقید و محدود شده که قید حکم به قانون تعیین شده است. ج: قوانینی که ناظر بر (حقوق مشروط) شهروندان است که اصل شرط در متن قانون ذکر شده است مانند عدم اطلاع به مبانی اسلام، عدم نقض، استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی، عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران، استوار است.

در کشور ترکیه نیز اگر چه حقوق شهروندی در متن قانون اساسی پیش بینی شده اما آنچه مهم است این است که در قانون اساسی از "ملت ترک" و نه از "ملت ترکیه" نام برده شده است. فصل چهارم قانون اساسی ترکیه تحت عنوان "حقوق سیاسی و واجبات" در ماده ۶۶ به این موضوع پرداخته و چنین نوشته است ماده ۶۶: هرکسی که با دولت ترکیه پیوند هموطنی دارد ترک است. بعد از تشکیل جمهوری مدرن ترکیه، دید متعصب و تهاجمی افراطی ملی‌گرایی ترکی به هویت گروه‌ها و ملیت‌های غیر ترک ساکن در ترکیه بوجود آمد. به طوری که مردم غیر ترک ساکن در جمهوری نوین ترکیه، مجبور به نفی هویت خود شدند. در همین راستا قوانین ترکیه نیز تا همین چند سال اخیر اجازه درخواست حقوق شهروندی را فقط در چارچوب هویت ترکی به رسمیت می‌شناخته است. با این اوصاف بررسی‌ها و شاخص‌های پیش رو حکایت از بهبود نسبی حقوق شهروندی در ترکیه را نشان می‌دهد. (کهندانی و عظیمیان، ۱۴۰۲: ۷-۸)

۷- مقایسه کشورهای ایران و ترکیه به نتایج جالبی از مسئله فعالیت سیاسی زنان به دلیل تعدادی از تفاوت‌ها و اشتراکات منجر می‌شوند. با وجود تقاضای مداوم زنان برای دسترسی بیشتر به تصمیم‌گیری‌های سیاسی در هر دو کشور، زنان همچنان در این جوامع با جمعیت اکثریت مسلمان کمتر نمایندگی می‌شوند. با تشکیل ۵/۵ درصد از مجموع نمایندگان مجلس در ایران و ۱۷/۳ درصد در ترکیه تا سال ۲۰۲۰، حضور زنان در مجلس زیر میانگین جهانی ۲۴ درصد (اتحادیه بین‌المللی پارلمانی ۲۰۲۱) است و این حضور در دیگر نهادهای سیاسی نیز پایین است. در دولت ترکیه به طور کلی تعداد اندکی وزیر زن وجود دارد، بدون توجه به اینکه قدرت در دست چه کسی باشد (دو یا سه نفر از ده وزارتخانه)، در حالی که در ایران پس از انقلاب تا سال ۲۰۲۰، تنها یک زن وزیر وجود داشته است. هیچ کدام از دو کشور هیچ‌وقت زنی را به یک مقام رهبری ارشد به صورت عام معرفی نکرده اند. در همین مورد تعداد نمایندگان زن مجلس قانونگذاری ترکیه حدود ۱۷ درصد است در حالی که این درصد در ایران فعلی حداکثر ۶ درصد جمعیت نمایندگان را تشکیل می‌دهد (۱۳ نفر در مقابل ۲۹۰ نفر) و هر دو کشور از متوسط جهانی پایین تر هستند که حدود ۲۴ درصد بوده است. (رحمانی، ۱۴۰۰)

۸- در مبحث شکاف جنسیتی مشابه بسیاری از نقاط دیگر جهان، دسترسی زنان به جایگاه‌های سیاسی بلند پایه در ایران و ترکیه محدود است. با اینکه زنان جمعیت‌های بسیار پرشور و پر تحرک در هر دو کشور را تشکیل می‌دهند و تعداد قابل توجهی از آن‌ها تجربیات سیاسی دارند و به نقش‌های تصمیم‌گیری سیاسی علاقه دارند، با این حال محدودیت‌های مبتنی بر جنسیت چالش‌های قابل توجهی برای آنها ایجاد می‌کنند. زنان نه تنها باید با متقاعد کردن حاکمان مرد به ارزش و شایستگی خود برای شرکت در انتخابات روبرو شوند، بلکه باید با عوامل سیاسی و اجتماعی غیردموکراتیک وسیعی که در هر دو کشور وجود دارند، سر و کار داشته باشند که در جهت مخالف نمایندگی سیاسی زنان عمل می‌کنند. تاکید رهبران سیاسی و عقیدتی ایران مبتنی بر منزلت اجتماعی و سیاسی زنان در عمل با مخالفت مدیران میانی روبرو می‌شود.

با این حال، در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری از حضور زنان منتخب در هر دو کشور را می‌توان مشاهده نمود، از جمله نمایندگان حزب‌های مذهبی و محافظه‌کار، و همچنین تعیین زنان به جایگاه‌های مهم سیاسی و مدیریتی. در ترکیه، افزایش اخیر در درصد نمایندگان زن (افزایش بیش از چهار برابر از سال ۲۰۰۲ از ۴٫۴ درصد به ۱۷٫۳ درصد در سال ۲۰۱۸) همزمان با به قدرت رسیدن حزب محافظه‌کار و مذهبی‌گرای آ.ک.پ (حزب عدالت و توسعه) رخ داده است و با وجود ایدئولوژی جنسیتی محافظه‌کار، این حزب در برخی مواقع بیشترین حمایت را از نامزدهای زن برای شرکت در انتخابات نسبت به حزب مخالف اصلی خود، حزب جمهوری‌خواه مردمی سکولار (جمهوریت حزبی خواه پارسیسی) یا چ.ه.پ نشان داده است. این تغییرات محدودیت‌های مهم در نمایندگی سیاسی زنان هستند، به خصوص از آن جهت که در حزب‌هایی اتفاق افتاده‌اند که ایدئولوژی‌های مردسالارانه را ترویج می‌کنند. (رحمانی، ۱۴۰۰)

با وجود اختلاف ایدئولوژی‌ها، ساختارهای سیاسی و سطوح توسعه نهادی، زنان همزمان در ترکیه و ایران در سیاست‌های انتخاباتی به عنوان رای‌دهندگان، فعالان انتخابات، سازمان‌دهندگان و نامزدهای آینده فعال هستند. افزایش تحریم‌ها و جدایی ایران از جامعه بین‌المللی توان زنان را در قالب تقاضاهایشان با توجه به گفتمان حقوق بشر بین‌المللی محدود کرده است، به ویژه اینکه هر ارجاعی به اسناد یا سازمان‌های حقوقی بین‌المللی اغلب توسط مقامات ایرانی به عنوان تسلیم در برابر استبداد غربی تلقی شده است. اما تلاش ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا موانع بیشتری را برای رسیدن به حقوق شهروندی از پیش رو برداشته است.

بطور کلی، جنبش حقوق زنان در ترکیه که از گروه‌های متنوع در طیف ایدئولوژیکی تشکیل شده، در مطالبه مشارکت سیاسی زنان در دستور کار ملی موفق تر بوده است، که این تلاش‌های زنان از سطح همکاری تا مقاومت در برابر دولت بوده است، گاهی با صدای یکپارچه در سطح طیف ایدئولوژیکی، گاهی هم سازمان‌های فردی از موقعیت‌های خاص خود به عنوان استراتژی در این خصوص استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال، کادر<sup>۴</sup> غیرحزبی و با رویکرد سکولار از طریق کمپین‌های رسانه‌ای، فعالیت‌هایی را شامل افشای علنی تبعیض و شکاف جنسی واضح توسط رهبران حزب در فرآیندهای استخدام و نامزدی سیاسی، فشار به رهبران همه حزب‌ها را ادامه دهد. با این حال، بسیاری از زنان حزب آ.ک.پ به عنوان حزب نزدیک به دولت، سعی می‌کنند تا فرهنگ

مردسالاری حزب را پشت درهای بسته اصلاح کنند و نتیجه‌ای نگران کننده این است که مخالفت خود را با رهبران حزب در جهت مسائل جنسیتی و رفتاری را فقط زمانی علنی می‌کنند که ناچار باشند. (رحمانی، ۱۴۰۰)

در ایران، دین دولتی یک فرصت گفتمانی مهم برای زنان فراهم کرده است تا از متون دینی و گفتمان انقلابی، از جمله بیانات مؤسس جمهوری اسلامی آیت‌الله خمینی، برای قالب‌بندی خواسته‌های خود برای مشارکت سیاسی استفاده کنند. این قالب‌بندی محوری امکان می‌دهد تا فعالان حقوق زنان ایرانی خواسته‌های خود را با تأکید بر عدالت اجتماعی و برابری جنسی، مستقیم از اصول اسلام و انقلاب اسلامی استخراج نمایند. با در نظر گرفتن زمینه سیاسی و فرهنگی گسترده به این شکل، این قالب‌بندی در پیشبرد حقوق زنان ایرانی موثرتر بوده است تا تلاش‌هایی که به استناد استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر ارجاع شده است. ۹- در مورد شکاف جنسیتی و به طور مشخص، نقش زنان در انتخابات و اجازه مشارکت عملی آنان تفاوت‌هایی وجود دارد که در ایران اولین بار در سال ۱۳۴۲ به موجب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی حق رای به زنان داده شده در حالی که در ترکیه این حق رای مربوط به سال ۱۹۳۴ برابر با ۱۳۱۳ بوده است که ۲۸ سال فاصله را نشان می‌دهد و این نشانه‌ای بر جلوتر بودن نسبی ترکیه در این زمینه است. (سعیدی، ۱۳۹۸: ۳۲)

جمهوری اسلامی فضای عمومی را برای طبقه پایین و زنان سنتی باز کرده و فاصله طبقاتی را بین زنان اشرافی و سنتی را کاهش داده است. در ایران جالب‌ترین تحول در آموزش زنان ظاهر شده است، زیرا در خانواده‌های سنتی جمهوری اسلامی، حتی اگر حضور در دانشگاه باعث افزایش خواسته‌های استقلال زنان شود و آن‌ها علی‌رغم به چالش کشیدن یا زیر سوال بردن نقش‌های زنانه سنتی، والدین خواستار ترغیب دختران خود به آموزش در دانشگاه‌ها هستند. این با وضعیت ترکیه همسان است که شرکت زنان سنتی در آموزش عالی در آن به دلیل ممنوعیت حجاب محدود بود ولی با روی کار آمدن جناح مذهبی مشارکت زنان مذهبی در نظام‌های آموزشی بدون محدودیت، توسعه یافته است.

همچنین فضای عمومی و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران نسبت به ترکیه به طور چشم‌گیری برای زنان جوان مذهبی بازر است. با این حال، این نوع نگاه هنوز تأثیر مثبت قابل توجهی بر سطح آموزش زنان وجود دارد به طور مثال اگر زنی در ایران در کشور ترکیه زندگی کند، حتی با وجود سایر متغیرهای نظارتی، احتمال بیشتری دارد که به آموزش عالی و مناصب سیاسی برسد. همچنین در تبیین رابطه زنان و فضای عمومی در هر دو کشور با وجود تفاوت‌های در ایدئولوژی‌های دولتی، عامل مذهب نشان داده است که تأثیر یکسان بر فعالیت زنان در عرصه عمومی نداشته است. (حسینی، ۲۰۲۳: ۲۳)

۱۰- مشارکت اجتماعی به عنوان عنصر بنیادی زندگی سیاسی در جمهوری اسلامی پس از جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ مورد تأکید قرار گرفته است. در حالی که گروه‌های اصلاح‌طلب از الگوهای گفتمانی مختلف در مورد درجه استقلال جامعه مدنی از دولت استفاده کردند، گفتمان رسمی ترویج‌کننده نظریه همکاری و تعامل میان دولت و شهروندان فعال در جامعه مدنی بوده است. همواره سعی شده جنس مشارکت از نوع محقق کردن طرح دولت در مهندسی اجتماعی و حمایت از آن باشد. در بافت سیاسی و اجتماعی ترکیه، مفهوم شهروندی مدرن به گونه‌ای تکامل یافته است که بعد لیبرالیسم کنار گذاشته شود. در حالی که در اروپای غربی مفهوم فرد در نوشته‌های فلسفی قبل از ظهور شهروندی مدرن ظاهر شد، در ترکیه شهروند مقدم بر فرد است. از این رو، ترک‌ها خود را جذب طرح‌های اجتماعی بزرگی مانند کمالیسم، سوسیالیسم و اسلام سیاسی کردند. آنها که در دام مأموریت‌های چنین طرح‌هایی افتاده‌اند، نمی‌توانند اهمیت فردی شدن را قبل از ظهور یک کمالیست، سوسیالیست و اسلام‌گرا تشخیص دهند. در ترکیه، حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی هدیه‌ای از حاکمیت بوده در نتیجه با خواسته‌ها و نیازهای طبقات پایین جامعه هماهنگ نبوده است. مفهوم شهروندی ترکیه در سنت جمهوری با تأکید بر عملی که به عنوان وظایف تلقی می‌شدند، تکامل یافت. در ایران ترکیب متنوع جمعیتی استان‌های مختلف در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است که شامل زبان‌ها و قومیت‌های آذری، کردی، لری، مازندرانی، گیلکی، بلوچی و عربی می‌باشند. برخلاف ایران، در ترکیه تفاوت‌های قومی توسط دولت انکار شده است. هویت کردی در چارچوب قانونی انکار شد؛ حتی زبان کردی نیز انکار گردیده است. همچنین ویژگی‌های قومی استان‌ها در تاریخ معاصر ایران، بهتر از دولت ترکیه توسط دولت ایران مورد تأکید قرار گرفته است. به همین دلیل در ترکیه، دولت سیاست ظالمانه‌ای را برای جذب هویت‌های قومی مختلف اجرا کرده که متأسفانه تنوعات قومی در ترکیه در چارچوب رسمی تأیید نشده است. (Cosar, S. & Yegenoglu, 2009: 35-45)

شکل‌گیری تابعیت در ترکیه روند خطی یکپارچه در گسترش حقوق شهروندی را نه تنها نشان نمی‌دهد بلکه این حقوق به طور مساوی در میان گروه‌های قومی مختلف توزیع نشده است. حقوق شهروندی در ترکیه بر اساس مفهوم "رفاه دولت" و نه "دولت رفاه" تنظیم شده بود. کردها به طور ضمنی به عنوان شهروندان درجه دوم و مسیحیان به عنوان شهروندان درجه سوم محسوب می‌شوند. شهروندان درجه اول جمهوری ترکیه افراد قومی ترک هستند. اما در ایران، دولت تمایل بیشتری به پذیرش وضعیت تابعیت کامل اقلیت‌ها دارد اگرچه آنها به صورت فردی در فرهنگ فارسی جذب می‌شوند. بنابراین، یک تابعیت سلسله‌مراتبی مانند ترکیه در ایران مشاهده نمی‌شود. در ایران با وجود غالبیت ویژگی‌های قومی فارسی، یک هویت چتری برای اقلیت‌های قومی قائل گردیده است.

برای هر دو کشور ایران و ترکیه، فرآیندهای قالب‌بندی استراتژیک، به تحقق پیشرفت‌های مهم در زمینه حقوق شهروندی اقلیت‌های قومی منجر شده است. در ترکیه، اقوام متعدد به قالب‌بندی خواسته‌های خود با استفاده از گفتمان حقوق بشر بین‌المللی پرداختند که منجر به همسویی‌های مهم بین گروه‌های مسلمان و غیر مسلمان شد که به ندرت در اکثر موارد با یکدیگر هم‌عقیده بوده‌اند. این روند پیش از انتخابات مجلس سال ۲۰۱۱ میلادی نیروی جنبش قومی ترکیه را تقویت کرد و ظرفیت رایزنی سیاسی آن را افزایش داد. به طور مشابه، قالب‌بندی استراتژیک اقوام ایران با استفاده از گفتمان‌های دینی و انقلابی به بهبودهای قابل توجه در حقوق شهروندی اقوام ایرانی از زمان تأسیس جمهوری اسلامی منجر شده است، زیرا گروه‌های مدافع حقوق شهروندی به بازنگری اصول عرفی - مذهبی به عنوان موثرترین راه برای مقابله با احکام و رویه‌های تبعیض‌آمیز دست یافته‌اند. این موفقیت منجر به همسویی‌های مهم میان گروه‌های متفاوت مدافع حقوق شهروندی اقوام در طول طیف ایدئولوژیکی شده است که به ایجاد یک جنبش مدافع حقوق اقوام ایرانی قوی و یکپارچه کمک کرده است. در هر دو جامعه ترکیه و ایران، اتحادها و تضادهای استراتژیک در میان گروه‌های قومی متنوع، به سیاسی ساختن رأی آنها کمک کرده است.

۱۱- هر دو نظام سیاسی تلاش می‌نمایند تا خود را مردم سالار و تابع قوانین و مقررات بین‌المللی نشان دهند و نشانه‌هایی از آن را مانند انتخابات دوره ای مشخص دارند. اما کیفیت‌ها هنوز با جوامع پیشرفته تر و نظریه‌های مورد نظر در این مطالعه بویژه جان لاک و ژان ژاک روسو تفاوت‌های زیادی دارند. به عنوان نمونه مشخص، امکانات دولتی مستقیم یا غیر مستقیم در خدمت حزب یا جریان مسلط قرار می‌گیرد و حقوق شهروندی برخی افراد و گروه‌ها به خطر می‌افتد، اما رقابت حزبی جا افتاده تر در ترکیه امتیاز آنها تلقی می‌شود. (خیری و کریمی، ۱۳۹۸: ۴۵)

هر دو نظام سیاسی در یک تضاد سخت قرار گرفته‌اند، از یک طرف بیم آن دارند اعطای آزادی‌های بیشتر سیاسی و مدنی مهار قدرت را از دستشان خارج نماید و از طرف دیگر به دنبال کسب وجهه یا پرستیژ در بین جوامع بشری دیگر از طریق گسترش عدالتخواهی، آزاد منشی و رعایت حقوق شهروندی هستند. شواهد بسیاری را می‌توان برای این ادعا مطرح نمود مانند آنکه این دو کشور سعی نمودند هشت کشور پیشرفته تر اسلامی را در یک مجموعه گرد آورند تا با کمک هم بتوانند اهداف بزرگ تری را دنبال نمایند، اما متأسفانه تلاش مستمری نبوده است.

۱۲- علاوه بر تعهد جهانی و عمومی که دولت‌های ایران و ترکیه طبق حقوق بشر جهانی ۱۹۴۸ نسبت به مردم جامعه و رعایت حقوق شهروندی دارند، در یک تعهد دیگر در اعلامیه کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۰م در قاهره ۵۷ کشور مسلمان با تعهدات مضاعفی در مورد این موضوع توافق نموده‌اند. ولی در عمل باز هم بسیاری از این تعهدات انجام نمی‌شود و نیاز به آموزش و حمایت بیشتری در هر دو کشور مسلمان وجود دارد.

اصول نظام حقوق شهروندی، نظامی خاص است که ممکن است از هر کشوری به کشور دیگر و هر جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد. عوامل متعددی همچون دین، مذهب، اعتقادات، آداب و رسوم، وضعیت جغرافیایی و وضعیت اقتصادی می‌تواند در تهیه و تدوین قانون حقوق شهروندی تأثیرگذار باشد. در قانون اساسی ایران اگر چه یک فصل به حقوق ملت اختصاص داده شده اما حقوق شهروندان به صورت ریز و آیین‌نامه‌های قابل اجرا بیان نشده است. در زمینه حقوق شهروندی قانون بسیار مختصری در کشور ما موجود است که در آن هم در خصوص حقوق اولیه علاوه بر این که کم و کاستی‌هایی موجود است برخی از مسائل مهم را نیز در بر نمی‌گیرد.

در هر صورت بررسی ساختارهای قضایی، حق دادخواهی، از بین رفتن مجازات اعدام، نظام آموزشی، مشارکت های سیاسی در ترکیه، نشان از روند مطلوب تر و توسعه یافته تری نسبت به ایران را نشان می دهد. همچنین وجود نهادهای نظارتی حقوق شهروندی و وجود قوانین شفاف و تعریف شده در قانون اساسی نشان از بهبود حقوق شهروندی در این کشور دارد. مسئله مهم در جامعه شناسی تاریخی شهروندی ایران و ترکیه، کشف و توضیح ماهیت تاریخی اجتماعی امتناع شهروندی، شکل نگرفتن زمینه ها و بسترهای تقویت کننده شهروندی یا وجود زمینه های بستر ساز شهروندی می باشد. اینکه چرا در کشور ایران دسترسی به حقوق شهروندی در خصوص مولفه های مورد بررسی دچار نقص گردیده، نبود تفسیری دقیق از حقوق شهروندی، عدم آموزش کافی، ضعف نهادهای مدنی و رقابت های حزبی ناسالم بوده که مجال کمتری برای گسترش حقوق شهروندی باقی گذاشته است.

۱۳- در مورد شاخص های تعیین شده برای مقایسه رعایت حقوق شهروندی در دو کشور ایران و ترکیه یکی از موارد اساسی و تعیین کننده توجه به حفظ حق حیات است که در حذف مجازات اعدام می توان آن را به صورت عیان مشاهده نمود. مجازاتی که بیش از ۸۸ درصد جوامع جهان امروز آن را حذف نموده اند و آن را نماد ترقی خواهی خود معرفی می نمایند. در بین کشورهای غربی جهان تنها کشوری که از مجازات اعدام استفاده می نماید، ایالات متحده آمریکا است که در ۳۸ ایالت آنها هنوز وجود دارد (البته شکل اعدام آنها حلق آویز نمودن یا شلیک کردن گلوله نیست و به صورت تزریق ماده سمی یا شوک الکتریکی است که به ادعای خودشان متهم به اعدام زجر نکشد). بیش از سه دهه است که مجازات اعدام در ترکیه لغو شده در حالی که طبق آمار ایران پس از چین مقام دوم را در این مورد دارد. اما باید توجه داشت که در ایران هم در بین مسئولین قوه قضاییه و حتی روسای زندان ها افرادی خود پیشقدم گرفتن رضایت از خانواده مقتولین می شوند تا آمار قصاص پایین بیاید. همین طور در مردم مجازات اعدام در مورد قاچاقچیان مواد مخدر تردیدهای جدی در میان قانونگذاران و مجریان ایجاد شده است که همین نوع نگرش های تحول خواهانه باعث تغییراتی در قانونگذاری و تصمیم گیری خواهد شد. البته در ترکیه هم با وجود حذف مجازات اعدام؛ انواع دیگری از مجازات های خشن وجود دارد که برخی از آنها را در عکس العمل به کودتای سال ۲۰۱۶ میلادی در ترکیه از طرف دولت مستقر مشهود بوده است که دستگیری های گسترده و رعب انگیز عمومی، بخشی از آن تلقی می شود. (تقی پور، ۱۳۹۳: ۵۶)

۱۴- در مورد مشارکت سیاسی در ایران به دلیل محدودیت رسانه های خصوصی و انحصاری و اختصاصی بودن رسانه ملی به دولت و بویژه به جناح حاکم در عمل منتقدان و مخالفان شرایط موجود پایگاه مشخصی ندارند و طبق قانون اساسی ایران یا برداشت خاصی که از آن وجود دارد ایجاد رسانه صوتی و تصویری خصوصی ممنوع است و کل امکانات آن در اختیار حکومت قرار دارد. حتی در ایران بین عموم مردم گاهی وابستگی داشتن به حزب یا جناح خاص ضد ارزش تلقی می شود. طوری که برخی افراد در اظهارات خود بیان می دارند که «خوشبختانه عضو هیچ حزب و انجمن سیاسی نیستم» و بسیاری از نامزدهای انتخاباتی به صورت تصادفی و تحت تلقینات اطرافیان به فعالیت های انتخاباتی کشانده می شوند. در حالی که رقابت های انتخاباتی احزاب در ترکیه به رسمیت شناخته شده است اما در مجموع هر دو جامعه هنوز با آرمان های مطلوب جامعه مردم سالار فاصله بسیار دارند. در ترکیه که به ظاهر مردم سالارانه تر به نظر می رسد شرایط طوری است که گویی همه امور تحت نظارت یک حزب خاص یا حتی دقیق تر زیر نظر یک فرد خاص به نام اردوغان است و این نوع رفتارهای سیاسی هیچ گاه مطلوب کسانی که برای آزادی و عدالت واقعی تلاش نموده اند؛ قابل پذیرش نخواهد بود.

۱۵- در مورد حق مهم شهروندی دیگر یعنی دسترسی آسان به وکیل تفاوت هایی بین ایران و ترکیه وجود دارد. وکلای ترکیه ناچارند که در هنگام انجام وظیفه در دادگاهها از لباس خاص وکالت استفاده نمایند که شخصیت و جایگاه آنها را ارتقا می دهد. اما در ایران با وجود آنکه مطرح می شود که وکلا جایگاه برابر با قاضی دارند، در عمل چنین رفتاری کمتر دیده می شود و به طور معمول قاضی از موضع بالاتر با وکیل برخورد می نماید. قوه قضاییه نهادی وابسته به خود را به عنوان مرکز وکلا ایجاد نموده تا استقلال کانون وکلا را تحت تاثیر قرار دهد و در همان حال در مجلس قانونی مصوب شده که کانون وکلا باید از وزارت اقتصاد مجوز فعالیت بگیرد، یعنی در عمل کل وکلا زیر مجموعه بخشی از قوه مجریه باشند که با استقلال و اعتماد به نفس و با کار خطیر آنان که دفاع همه جانبه از حقوق شهروندان است، سازگاری ندارد. (صحرایی و رحیمی، ۱۴۰۲: ۱۳)

۱۶- در مورد رعایت عدالت آموزشی، با وجود آنکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رایگان بودن آموزش و پرورش تاکید دارد، اما در عمل دولت نمی تواند این تعهدات خود را به درستی اجرا نماید و مدارس دولتی در عمل ضعیف ترین امکانات را دارند و بیشتر معلمان هم از سطح معیشتی خود رضایت ندارند و این قانون رایگان بودن، باعث شده که بسیاری از خانواده های ایرانی هم به آن امید ببندند و از مشارکت واقعی در تامین امکانات لازم تحصیلی امتناع بورزند. در ترکیه هم مدارس دولتی رایگان است اما در زمینه عدالت آموزشی و تامین کیفیت لازم اگر چه از ایران جلوتر است اما با جوامع پیشرفته اروپایی فاصله بسیار دارد. بنابراین حقوق شهروندی مربوط به تامین آموزش و پرورش با کیفیت در هر دو جامعه بسیار با وضعیت مطلوب فاصله دارد. (مسکوکیان، حسین گلی، و هوشمندیار، ۱۴۰۲: ۱۲۰-۱۳۱).

### نتیجه گیری

در این مقاله، سعی شد با استفاده از نظریه اینگلههارت، تفاوتها و شباهت های فرهنگ سیاسی و تاثیر آن بر حقوق شهروندی در ایران و ترکیه نشان داده شود. در نهایت، در پاسخ به سوال اصلی چنین استنباط شد که وجوه عمده تشابه تاثیر فرهنگ سیاسی در حقوق شهروندی دو کشور ایران و ترکیه عبارتند از اعطای حق رای به زنان، مشارکت سیاسی زنان و اختصاص جایگاه های مهم سیاسی و مدیریتی به آنها؛ رایگان بودن آموزش و پرورش، دسترسی آسان به وکیل می باشد. در حالی که وجوه عمده تمایز تاثیر فرهنگ سیاسی در حقوق شهروندی دو کشور ایران و ترکیه عبارتند از وجود تعارضات اساسی در قوانین اساسی دو کشور بویژه در خصوص واژه هایی همچون ملت، اقوام و ملیت ها، نظام های سیاسی متفاوت و ساختار حکومتی مبتنی بر ایدئولوژی غیرسکولاریستی و سکولاریستی؛ دو فرهنگ سیاسی مختلف با توجه به ارزش های دینی و سنتی، ضعف جامعه مدنی و مشارکت سیاسی احزاب؛ مشارکت اجتماعی اقوام، تساوی حقوق در میان گروه های قومی، مجازات اعدام، مشارکت زنان مذهبی در نظام های آموزشی.

بررسی تفاوت های جوامع مختلف و مشخص نمودن نکات مشترک آنها برای تقویت فرهنگ و افکار عمومی جهانی جهت بهره بردن عمومی تر همه جوامع بویژه کشورهایی که در حال توسعه هستند. توجه بیشتر به شرایط خاص کشورهای اسلامی بویژه کشورهایی که می توانند برای بقیه ۵۷ کشور مسلمان نمونه و کمک کننده باشند.

توجه به یافته های تحقیقی عینی و نقاط ضعف و اشکالاتی که در قوانین مربوط به حقوق بشر و حقوق شهروندی در جامعه وجود دارد و تلاش برای برطرف شدن موارد مخل و موانعی که وجود دارد. ایجاد محیطی آزاد و تعامل آفرین بین صاحبان اندیشه و عموم مردم برای اظهار نظر و مشارکت جهت تامین کامل حقوق شهروندی در تمامی ابعاد صورت گیرد و موانع حذف گردد. می توان در رسانه ی ملی برنامه ها و وقت مشخصی را به این موضوع اختصاص داد تا فرهنگ عمومی در این مورد تقویت شود.

همه گروه های اجتماعی به مباحث گسترش حقوق بشری و حقوق شهروندی توجه داشته باشند و از حقوق قانونی خودشان در مقابل قدرتمندان با دقت و منطق درست دفاع نمایند. وظایف فرهیختگان در این زمینه ها بسیار گسترده تر و مهم تر است. هنوز بسیاری نواقص در رعایت حقوق شهروندی وجود دارد که لازم است خود خانواده ها اقدام نموده و آموزش های حقوق شهروندی را از دوران کودکی آغاز نموده و مهم تر از آن خودشان در عمل نمونه رعایت حقوق شهروندی خود و دیگران باشند. خاصیت قدرتمندان و سیاست مداران آنست که اگر مردم جامعه ای از حقوق خود غافل باشند، آنها هم معمولاً این حقوق را نادیده می گیرند. بنابراین وظیفه مهم و همگانی آنست که مراقب و نگاهبان حقوق شهروندی خود و دیگران باشیم.

### منابع:

۱. اینگلههارت، رونالد و نوریس، پیپا (۱۳۸۷)، **دین و سیاست در جهان**، ترجمه مریم وتر، مقدس و عرفی تهران: انتشارات کویر.

۲. اینگلهارت، رونالد. ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، **نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی**، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
۳. تقی پور، سحر (۱۳۹۳)، **ترکیه و موازین حقوق بشر**، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۴. سریع القلم، محمود (۱۳۹۳)، **اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار**، انتشارات فروزان روز.
۵. سریع القلم، محمود (۱۳۹۳)، **اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی**، انتشارات گاندی.
۶. شم آبادی، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، **حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غربی**، انتشارات مفهرس.
۷. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵)، **ما ایرانیان**، نشر نی.
۸. آرای، وحید، باصری، علی و عسکری ماسوله، سعید. (۱۴۰۲). "سیاستگذاری فرهنگ حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران"، **مطالعات حقوق بشر اسلامی**. ۱۲ (۱).
۹. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۷)، **نوسازی و پسانوسازی، فصلنامه ارغنون**، ترجمه سیدعلی مرتضویان، شماره ۱۳.
۱۰. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۱). ترجمه سیدعلی مرتضویان، "فرهنگ و دموکراسی"، **فصلنامه ارغنون**، شماره ۲۰.
۱۱. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۰)، ترجمه محود سلیمی، "جهانی شدن و ارزشهای پست مدرن"، **فصلنامه تأمین اجتماعی**، شماره ۸.
۱۲. اینگلهارت، رونالد و بیکر، واین (۱۳۸۵). **مدرن سازی، تغییر اجتماعی و استمرار ارزش های سنتی، فصلنامه یاس راهبری**، شماره ۷.
۱۳. حسینی، سیدعلی (۲۰۲۳)، "آخرین تحولات نظام آموزش کشور جمهوری ترکیه"، **آکادمیکا**.
۱۴. خیری، علی؛ کریمی، علی (۱۳۹۸)، "توسعه سیاسی در ترکیه، چشم انداز آینده پژوهان"، **دو فصلنامه علمی جامعه شناسی جهان اسلام**، دوره هفتم، شماره دوم.
۱۵. ساعی، علی و کریمی، زهیر. (۱۳۹۰). "تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح طلب و اصول گرا"، **مجله جامعه شناسی ایران**. ۱۳ (۴)، صص ۱۱۷-۱۴۷.
۱۶. سریع القلم، محمود (۱۳۹۱)، **فرهنگ سیاسی ایران**، تهران، فروزان روز.
۱۷. سعیدی، گلناز (۱۳۹۸)، **نگرش به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان ترکیه (۲۰۲۰-۱۹۳۰)**، مرکز بین المللی مطالعات صلح.
۱۸. صحرائی، نوید؛ رحیمی، منیره (۱۴۰۲)، "بررسی تطبیقی ساختار قضایی دادگاه های ایران و ترکیه"، **فصلنامه علمی حقوقی و مطالعات نوین**، دوره چهارم، شماره ۱.
۱۹. طالبان، محمدرضا. رفیعی بهابادی، مهدی (۱۳۸۹)، "ارزیابی تجربی نظریه اینگلهارت در ایران: ارتباط توسعه با دینداری"، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۵۵.
۲۰. عرب احمدی، فاطمه و خزائی، احمدرضا. (۱۳۹۷). "جنش های اجتماعی و تاثیر آن در شکل گیری حقوق شهروندی"، **اخلاق زیستی**. ۲۹ (۸)، صص ۸-۱۶.
۲۱. فاضلی، نعمت اله (۱۳۹۳)، «صورت بندی مسئله احساسات در ایران، مطالعات فرهنگ، نظریه ای درباره پویایی الگوهای عاطفی در ایران» **مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، شماره چهل و سه.
۲۲. قربانی درزی محله، رحمان، زارعی محمودآبادی، حسن و فلاح زاده، علی محمد. (۱۴۰۱). "فرهنگ سیاسی ایران و تحقق حقوق شهروندی"، **مجله پژوهش های سیاسی و بین المللی**. ۱۳ (۵۲)، صص ۱-۲۱.
۲۳. کهندانی، حسن، عظیمیان، عسل (۱۴۰۲)، "بررسی تطبیقی قوانین ایران، ترکیه، امارات و نظام حقوق بین المللی در زمینه همکاری قضایی بین المللی ناظر بر جرایم فساد"، **فصلنامه مطالعات میان رشته ای فقه**، شماره ۱۱.

۲۴. مسکوکیان، وحید، حسین‌گلی، اسماعیل، هوشمندیار، نادر و ابراهیمی‌فر، طاهره. (۱۴۰۲). "مطالعه تطبیقی حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران و کشور ترکیه"، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۲۸ (۵)، صص ۳۶۵۰-۳۶۷۷.

۲۵. هاشمی، سید محمد، همتی، مجتبی و اسماعیل زاده، حسن. (۱۳۸۹). "حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی"، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۲ (۵۰)، صص ۴۹-۸۰.

۲۶. رحمانی، مریم (۱۴۰۰)، "مقایسه جنبش زنان ایران و ترکیه"، قابل دسترس در: <http://meidan.com>.

27. Agah Hazır(2015), Comparing Turkey and Iran in Political Science and Historical Sociology: A Critical Review, *Turkish Journal of Middle Eastern Studies*, Vol: 2, No: 1.
28. Cosar, S. & Yegenoglu, M. (2009). The neoliberal restructuring of Turkey's social security system. *Monthly Review*, 60 (11), 36-49.
29. Cook, Steven A., Turkish democracy can not die, because it never lived, *Foreign Policy Magazine*, May13, 2019. (<http://foriengn policy .com/2019/05/13>)